

## چارچوبی برای گسترش روابط فرهنگی ایران و مصر

دکتر اصغر جعفری ولدانی\*

### چکیده

در روابط بین‌الملل، روابط فرهنگی نسبت به روابط سیاسی و اقتصادی از نوعی استقلال برخوردار است. در حالیکه بسیاری از سوءبرداشت‌ها و سوءتفاهمات بین ایران و مصر ناشی از تلفیق مباحث حوزه فرهنگی با حوزه مسائل سیاسی است. لذا برای توسعه مناسبات دو کشور، باید تلاش شود تا حوزه فرهنگ مستقل از حوزه سیاست مورد توجه قرار گیرد. آشنایی فرهنگی در دراز مدت، اولین پایه برای درک متقابل را می‌فراهم کند و می‌تواند پیش‌داوریها و تعصبات را کاهش دهد و به ایجاد فضای اعتماد و اطمینان متقابل کمک کند. شناخت فرهنگ دیگران به گرفتن تصمیمات صحیح و سیاست‌گذاری‌های واقع‌بینانه کمک می‌نماید. از سوی دیگر شناساندن فرهنگ خود به کشورهای دیگر موجب می‌شود تا آنها بر اساس ارزش‌های فرهنگی آن کشور، پدیده‌ها را ارزیابی و درک کنند. ایران و مصر از دیرباز با یکدیگر روابط فرهنگی داشته‌اند. اکنون نیز به نظر می‌رسد فرهنگ می‌تواند موجبات گسترش روابط دو کشور را فراهم آورد. هدف این مقاله ارائه چارچوبی برای گسترش روابط فرهنگی ایران و مصر است.

فرهنگ به مجموعه آداب و رسوم، علوم، معارف و هنرهای یک قوم گفته می‌شود.<sup>(۱)</sup> فرهنگ مجموعه تکنولوژی، باورها، هنرها، ادبیات، تاریخ، عادات و ساختارهای

\* . عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی و پژوهشگر مسائل خاورمیانه

اجتماعی یک ملت است. کلیفور گریتز در مورد فرهنگ می‌گوید: "فرهنگ نظامی است با جنبه‌های همگرایی، دستوری و همبستگی که بر تمامی ابعاد زندگی اجتماعی اثر می‌گذارد."<sup>(۳)</sup> فرهنگ در روابط بین کشورها هم می‌تواند عامل همبستگی و هم عامل تفرقه باشد. تضادهای فرهنگی یا بیگانگی فرهنگی کشورها از یکدیگر، می‌تواند موجب تضادهای سیاسی و قطع روابط سیاسی گردد. از سوی دیگر تشابهات فرهنگی بین ملت‌ها موجب همبستگی خواهد شد.

به همین دلیل درباره تاثیر فرهنگ بر سیاست خارجی و روابط بین‌الملل دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. واقع‌گرایان و یا نو واقع‌گرایان، روابط بین‌الملل را صرفاً مبتنی بر قدرت می‌دانند و برای فرهنگ نقش حاشیه‌ای قائلند. مورگان‌تا می‌نویسد: "اگر آمریکاییها از گوش دادن به ملودی‌های چایکوفسکی یا خواندن آثار داستایوفسکی لذت می‌برند. دلیلی برای حسن روابط بین آمریکا و شوروی نخواهد بود. ملت‌های بسیاری بودند که با نزدیک‌تر شدن فرهنگ‌ها در طول تاریخ به نزاع‌های طولانی با یکدیگر پرداخته‌اند."<sup>(۴)</sup>

اما آرمان‌گرایان که به باورها، ارزشها، اعتقادات و ایدئولوژی اعتقاد دارند، برای نقش فرهنگ در روابط بین‌الملل اهمیت بسیار قائلند و آن را موتور روابط بین‌الملل می‌دانند. در سالهای اخیر بر نقش و تاثیر فرهنگ بر روابط بین‌الملل تاکید بیشتری صورت می‌گیرد.

فرهنگ به دو طریق به کشورها کمک می‌کند تا به اهداف و منافع خود در سیاست خارجی دست یابند. نخست به وسیله شناخت فرهنگ کشورها و ملت‌های دیگر و همچنین شناساندن فرهنگ خودی به آنها. دوم از راه تاثیرگذاری بر کشور مقابل به منظور موجه و موثر ساختن سیاست و اقدامات خود در آن کشور. شناخت فرهنگ دیگران به گرفتن تصمیمات صحیح و سیاست‌های واقع‌بینانه کمک می‌کند. به همین ترتیب شناساندن فرهنگ خود به کشورهای دیگر موجب می‌شود تا آنها بر اساس ارزش‌های آن

کشور، پدیده‌ها را ارزیابی و درک کند. نقش دوم بر این پیش فرض استوار است که اگر دولتی قادر باشد بر افکار و اذهان تصمیم گیرندگان طرف مقابل تاثیر بگذارد می‌تواند سیاستهای آن کشور را در جهت اهداف خود هدایت کند.<sup>(۴)</sup>

آشنایی فرهنگی در دراز مدت، ایجاد تعامل غیر متعصبانه را تسهیل می‌کند و اولین پایه برای رشد درک متقابل را فراهم می‌آورد. عامل فرهنگ، عنصر حیاتی در روابط بین کشورها است. اختلافات فرهنگی موجب عدم درک عمیق و مانع برقراری روابط دوستانه با کشورها می‌شود. روابط فرهنگی می‌تواند در دراز مدت پیش داورهای فرهنگی و تعصبات را کاهش دهد و به ایجاد فضای اعتماد و اطمینان متقابل کمک کند. هم ایران و هم مصر نقش هدایت کننده را در تاریخ تمدن و تکامل فرهنگ در مشرق زمین ایفا کرده‌اند. صرف نظر از درگیری‌های سیاسی ایران و مصر، هر دو کشور در طول تاریخ به یکدیگر توجه داشته‌اند و در ارتقا دانش، فرهنگ و هنر بشری تاثیرگذار بوده‌اند. شان و جایگاه ایران و مصر از نظر فرهنگ و تمدن و پشتوانه تاریخ چند هزار ساله آنها، چارچوب مناسبی برای توسعه روابط فرهنگی میان دو کشور است. آنچه که امروزه مصر به آن شناخته می‌شود، تمدن و فرهنگ آن است. ایران نیز به گفته ولتر "عظمت آن نه به قدرت نظامی آن، بلکه به درخشندگی فرهنگ آن است."<sup>(۵)</sup>

بعد از انقلاب ایران، یک گسست فرهنگی و تمدنی بین ایران و مصر ایجاد شد. که یکی از مهمترین علل آن تاثیر پذیری حوزه فرهنگ از حوزه سیاست است. بسیاری از سوء تفاهم‌ها و سوء برداشتها در دو کشور ناشی از خلط مباحث حوزه فرهنگی با مسایل سیاسی است. مسایل سیاسی همواره وزن خود را به حوزه فرهنگ تحمیل کرده و در توسعه یا تضعیف روابط همچون یک عامل شتابزا عمل کرده است. لذا بی توجهی به این مساله می‌تواند مشکل ساز باشد. بنابراین ضروری است که در سازماندهی روابط فرهنگی دو کشور، تلاش شود، حوزه فرهنگ نه فقط به عنوان یک متغیر مستقل از عوامل سیاسی، بلکه به عنوان عاملی موثر بر حوزه تعاملات سیاسی، مورد توجه قرار گیرد. به

گونه‌ای که در آینده استحکام روابط فرهنگی دو کشور به برقراری روابط سیاسی میان طرفین کمک کند.<sup>(۶)</sup>

### جهانی شدن فرهنگ

جهانی شدن در دو حوزه یعنی اقتصاد و فرهنگ بیش از سایر حوزه‌ها تأثیر گذار بوده است. جهانی شدن ناشی از انقلاب ارتباطات است. انقلاب ارتباطات از نقطه نظر تکنولوژیکی ترکیبی از سه جزء اصلی متمایز و در عین حال مرتبط با هم است؛ نخست توسعه سریع و قابل اتکای سیستم‌های ارتباطات دوربرد مانند تلفن، فاکس، ماهواره‌های مخابراتی، تله تایپ و ... دوم تحول سریع و گسترده تکنولوژی ارتباطات صوتی - تصویری نظیر ایستگاه‌های رادیویی، تلویزیونی، ویدئو کاست، تلویزیون کابلی و ماهواره‌های تلویزیونی وسوم تمهیدات و شیوه‌های شمارش‌گری ومحاسبه برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از جمله تحولات متوالی سخت افزاری در رایانه‌ها تجلی این هم ساختی و ترکیب شکل‌گیری و ایجاد بزرگ راه‌های اطلاعاتی است که از طریق آنها همه نوع پیام در حال نقل و انتقال است.

قابلیت‌ها و امکانات تکنولوژی‌های ارتباطاتی در زمینه تعامل و تفاهم فرهنگها قابل توجه است. زیرا فاصله بین ملل را کوتاه می‌کند و از ظرفیت بسیاری برای گسترش و توسعه فرهنگ گفت وگو برخوردار است. مثلاً امروزه هر کس می‌تواند از اینترنت استفاده کند. دریافت و ارسال اطلاعات از طریق اینترنت در مقایسه با سایر وسایل ارتباط جمعی، هزینه اندکی دارد. افزایش دسترسی به اینترنت می‌تواند به روند اعتماد سازی کمک نماید. اینترنت کنترل انحصاری دولت‌ها را بر رسانه‌های گروهی از بین برده است و به مردم این فرصت را می‌دهد که مستقیماً با یکدیگر تماس بگیرند و از اطلاعات صحیح و بدون از تبلیغات بهره‌مند شوند. جهانی شدن با شاخص‌هایی مانند پخش

ماهواره‌ای و استفاده از اینترنت سنجیده می‌شود. گفته می‌شود هر چه این شاخص‌ها بالا باشد، میزان همگرایی و پیوند کشورها با جهانی شدن فرهنگ بیشتر است. جهانی شدن فرهنگ موجب یکسان سازی جوامع و فرهنگ‌ها می‌شود. اعضای کمیسیون فرهنگ و توسعه سازمان ملل گزارش داده‌اند که در گردهمایی‌های خود در شهرهای قاره‌های مختلف، شاهد بوده‌اند که جوانان خیلی شبیه به هم شده‌اند. شباهتها در الگوهای مصرفی، رفتاری و پوششی هر روز بیشتر می‌شود. لباس پوشیدن و غذا خوردن به شیوه غربی رایج‌تر می‌گردد. با رنگ باختن مرزهای جوامع و رفتن به سوی نوعی جامعه شبکه‌ای این نوع شباهتها بیشتر هم می‌شود.

احمدهاشم نویسنده مصری می‌گوید که در مواجهه با فرهنگ غرب یکی از سه استراتژی زیر را می‌توان اتخاذ کرد:

- ۱- انزواگری که شامل دوری جستن و یا مشارکت محدود در الگوهای فرهنگی غربی است و کره شمالی از آن پیروی می‌کند.
- ۲- برقراری توازن با غرب که شامل ارتقا و تقویت ارزش‌های فرهنگی، مدرنیزه کردن بدون غرب زدگی و برقراری ارتباطات استراتژیک - نظامی با سایر فرهنگ‌های غیر غربی است. این استراتژی مشارکت اقتصادی و فنی در سیستم غربی را شامل می‌شود که همان استراتژی اتخاذ شده توسط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین است.
- ۳- استراتژی سوم الحاق به فرهنگ غرب است که در آن یک کشور غیر غربی تلاش می‌کند تا به الگوی غرب بپیوندد و ارزش‌های فرهنگی و سیاسی غرب را می‌پذیرد، بی‌آنکه کاملاً میراث و مذهب خود را رها کند. این استراتژی توسط ترکیه و تا حدودی مصر اتخاذ شده است.<sup>(۷)</sup>

برخی جهانی شدن فرهنگ را به مفهوم سیطره فرهنگ غربی و به ویژه آمریکایی بر دیگر فرهنگ‌ها می‌دانند. به نظر آنها این امر هویت فرهنگ‌های ملی و محلی را تهدید می‌کند. شکی نیست که از جهانی شدن فرهنگ، کشورهایی بیشتر بهره

می‌برند که سهم بیشتری در تولیدات فرهنگی و عرضه آن دارند. اما جهانی شدن فرهنگ، در عین حال برای بقیه کشورها نیز فرصت‌هایی را فراهم می‌آورد که بتوانند با استفاده از تکنولوژی‌های ارتباطی، فرهنگ‌ها و ارزش‌های خود را در سطح جهانی مطرح کنند. همچنین فرهنگ‌های ملی و محلی خود را تقویت نموده و با کمک رسانه‌ها به کشورهای دیگر بشناسانند. همگرایی جهانی را در سمت و سوی تفوق ارزش‌های والای انسانی سوق دهند و با برنامه ریزی‌های دقیق محلی، ملی و بین‌المللی، از ادغام فرهنگ‌های ملی در یک فرهنگ مسلط جلوگیری کنند. در این راستا یونسکو توصیه‌های زیر را کرده است:

۱- اشاعه راهبردهای فرهنگی و ایجاد انگیزه در علاقمندان میراث فرهنگی جهانی؛

۲- ایجاد رقابت‌های فرهنگی از طریق نظام ارتباطات بین‌المللی؛

۳- ایجاد حقوق واحد برای استفاده رسانه‌ای؛

۴- حفظ و حمایت حقوق فرهنگی و حقوق بشر؛

۵- اشاعه ارزش‌های اخلاقی والای جهانی؛

۶- جمع کردن مردم جهان حول محور "ملل جهان"؛

۷- قبول فرهنگ به مثابه پایه توسعه و طرح جهانی تنوع فرهنگی برای تقویت توسعه<sup>(۸)</sup>

ایران و مصر دو کشوری هستند که از فرهنگ و تمدنی کهن برخوردارند و ۲ قطب فرهنگی و تاثیرگذار در تمدن بشری به شمار می‌روند. فرهنگ‌های هر دو کشور با جهانی شدن فرهنگ به طور یکسان در معرض تهدید قرار دارند. سؤال این است که ایران و مصر برای حفظ هویت فرهنگی خود چه باید بکنند؟ در این راستا علاوه بر توجه به توصیه‌های یونسکو که در بالا به آن اشاره شد، دو کشور باید راهکارهای زیر را در دستور کار خود قرار دهند:

۱- اشاعه کاربرد رایانه زیرا دو کشور سهم کمتری از فن آوری جدید دارند؛

۲- تاکید بر زبان‌های مادری و هویت ملی در مدارس؛

۳- تاکید بر ارزش‌ها و خلاقیت‌های فرهنگی دو کشور که متکی بر سنت‌ها و میراث آنها است؛

۴- معرفی میراث فرهنگی دو کشور از طریق موزه‌ها، آثار تاریخی و هنری؛

۵- ارائه و جا انداختن ارزش‌های جهانی مانند حقوق بشر، محو خشونت و آزار رسانی و قبول کثرت‌گرایی؛

۶- گفت و گوی ارتباطی برای تبادل افکار و تحمل مدارا؛

۷- ایجاد امکانات نسبتاً برابر برای دستیابی به رسانه‌ها، ارسال پیام‌ها، انتشار عقاید و ایده‌ها؛

۸- افزایش تولیدات محلی و منطقه‌ای و عرضه تنوع خلاق فرهنگی در یک همکاری آگاهانه و صمیمانه؛

۹- ایفای نقش آموزشی بیش‌تر تلویزیون‌های محلی و ملی؛

۱۰- داشتن نظر مثبت و بهره‌گیری مثبت از فناوری‌ها و ارتباطات جهانی؛<sup>(۹)</sup>

### گفت و گوی تمدن‌ها

روابط بین الملل را شاید بتوان به ۲ صورت جنگ و صلح تصور کرد. بر این اساس درباره نقش فرهنگ در روابط بین الملل نیز دو رهیافت وجود دارد. یکی جنگ محور که فرهنگ را عامل اختلاف، برخورد و جنگ می‌داند و نمونه بارز آن نظریه برخورد تمدن‌ها است. دیگری رهیافت صلح محور است که بر این باور است که فرهنگ تاثیر مثبتی بر تامین صلح و امنیت بین‌المللی دارد و نمونه آن گفت و گوی تمدن‌ها است.

نظریه برخورد تمدن‌ها - ساموئل هانتینگتون مدیر مرکز مطالعات استراتژیک دانشگاه هاروارد، نظریه برخورد تمدن‌ها را به صورت مقاله‌ای در ۱۹۹۳ منتشر کرد. وی در توجیه نظریه خود می‌نویسد:

”فرضیه من این است که اصولاً نقطه اصلی برخورد در این جهان نو، نه رنگ ایدئولوژیکی دارد نه بوی اقتصادی، شکاف‌های عمیق میان افراد بشر و به اصطلاح نقطه جوش برخوردها دارای ماهیت فرهنگی خواهد بود و بس. دولت - ملت‌ها نیرومندترین بازیگران در عرصه جهانی باقی خواهند ماند، لیکن درگیری اصلی در صحنه سیاست جهانی، میان ملت‌ها و گروه‌هایی با تمدن‌های مختلف روی خواهد داد. برخورد تمدن‌ها بالمآل بر سیاست جهان سایه خواهد افکند. خطوط گسل میان تمدن‌ها در آینده خاکریزهای نبرد خواهد بود.“<sup>(۱۰)</sup>

هانتینگتون از ۷ یا ۸ تمدن اصلی مانند تمدن اسلامی، کنفوسیوسی، غربی، ژاپنی، هندو، اسلاو، ارتدکس، آمریکای لاتین و آفریقا نام می‌برد. به نظر وی برخورد اصلی میان تمدن غرب و تمدن اسلامی است. وی می‌گوید خصومت میان این ۲ تمدن ۱۴ قرن قدمت دارد. در تمام قلمرو اسلامی درگیری وجود دارد و ”مرزهای اسلام خون آلود است“. به نظر هانتینگتون مهمترین علل برخورد تمدن‌ها، تجدید حیات اسلام، افزایش اختلافات فرهنگی و تمدنی، افزایش منطقه‌گرایی اقتصادی، افزایش خود آگاهی تمدنی، واکنش تمدن‌های دیگر در برابر تمدن غرب و پایداری اختلافات فرهنگی است. به نظر وی غرب باید در چنین فضایی، در کوتاه مدت همکاری‌های درون تمدن غربی را تشدید کند و آن دسته از تمدن‌هایی را که به غرب نزدیکترند به خود ملحق نماید و از درون گسیختگی و اختلافات داخلی تمدن اسلامی بهره برداری کند و از همبستگی دو تمدن اسلامی و کنفوسیوسی جلوگیری نماید زیرا که پیوند آنها برای غرب خطرناک است.

**نظریه گفت و گوی تمدن‌ها** - این نظریه از سوی رئیس جمهوری ایران ابتدا در کنفرانس سران کشورهای اسلامی در تهران در ۱۹۹۷ و سپس در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۹۹۸ مطرح شد. وی در سخنرانی خود در سازمان ملل متحد از جامعه جهانی خواست که سال ۲۰۰۱ را سال گفت و گوی تمدن‌ها اعلام کنند. به دنبال آن سازمان ملل متحد با تصویب قطعنامه‌ای سال ۲۰۰۱ را به عنوان سال ”گفت و گوی



تمدن‌ها" اعلام کرد. رئیس جمهوری ایران در سخنرانی ۲۹ اکتبر ۱۹۹۹ خود در محل یونسکو در تشریح نظریه خود، از سیاستمداران حاکم بر جهان خواست تا با تحقق بخشیدن به طرح گفت و گوی تمدن‌ها و برداشتن گام اساسی به سوی ساختن فردایی عادلانه‌تر و زیباتر و انسانی‌تر تلاش کنند.

با توجه به جهانی شدن فرهنگ، طرح گفت و گوی تمدن‌ها می‌تواند نقش موثری در بازیابی ارزش‌های فرهنگی و معنوی ایفا نماید. این نقش آفرینی هنگامی واقعیت می‌پذیرد که ایده گفت و گوی تمدن‌ها در ابعاد کاربردی به روابط ملت‌های تقسیم شده در گروه‌های تمدنی گوناگون بپردازد. طرح گفت‌وگویی تمدن‌ها می‌تواند به پدیدار آمدن محیطی انسانی‌تر و اخلاقی‌تر واقعیت بخشد. از دید علمی ایده گفت و گوی تمدن‌ها از جهات زیر حایز اهمیت است :

۱- برای هموار ساختن راه پدیده‌ای به نام زندگی تمدنی مشترک خانواده بشری یا میراث مشترک بشر از تمدن که از به هم آمیختن دست‌آوردهای علمی، فنی و فرهنگی همه تمدن‌ها پدید آمده و گسترش می‌یابد؛

۲- برای مقابله با بحرانی که در نتیجه بالا گرفتن چالش تمدنی غرب نسبت به تمدن‌های دیگر دامنه دارتر می‌شود؛

۳- برای مقابله با مسابقه تسلیحاتی بی‌دلیل در دوران ژئوپولیتیک پست مدرن ؛

۴- برای نرم ساختن لبه‌های تیز جهانی شدن‌های کاپیتالیستی مطلق در دوران ژئوپولیتیک پست مدرن<sup>(۱)</sup>

با ارائه طرح گفت و گوی تمدن‌ها، سیاست خارجی ایران جنبه فرهنگی بخود گرفت و گفتمان فرهنگی بر آن حاکم گردید. گفت و گوی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها بر اساس منطق مفاهمه است که ویژگی‌های زیر را دارد:

۱- منطق مفاهمه وجود دیگری را به رسمیت می‌شناسد و او را واجد ارزش و حقوقی مستقل می‌داند؛

۲- منطق مفاهمه مطلق نگری فرهنگی - تمدنی را رد می‌کند و به نسبی‌گرایی فرهنگی اعتقاد دارد؛

۳- منطق مفاهمه در عین محق دانستن خود احتمال می‌دهد که حق با دیگری نیز باشد.

۴- منطق مفاهمه هویت فردی و ملی و شیوه کسب آن را دگرگون می‌کند و کسب هویت را محدود به تقابل و تعارض با دیگری نمی‌کند.<sup>(۱۲)</sup>

ایران و مصر و گفت و گوی تمدن‌ها - مصر با ایران در کنفرانس سران کشورهای اسلامی در تهران در ۱۹۹۷ برای نام‌گذاری سال ۲۰۰۱ به نام گفت و گوی تمدن‌ها همکاری صمیمانه‌ای داشت. دو کشور بر عهده گرفتند که در گفت و گوی تمدن‌های چهارگانه کهن که در تمدن بشریت نقش بنیانگذار دارند، مشارکت نمایند، به طوری که مصر و ایران از جانب شرق و به نمایندگی از تمدن فراعنه و فارس و یونان و ایتالیا از جانب غرب به نمایندگی تمدن‌های یونان و روم شرکت نمایند.

به دنبال آن در سال ۱۹۹۹ کنفرانس چهار جانبه ایران، مصر، ایتالیا و یونان با عنوان "میراث تمدن‌های کهن، آثار و پیامدهای آن برای دنیای جدید" در تهران برگزار گردید. در این کنفرانس مشاور ویژه عمر موسی وزیر خارجه مصر در رأس یک هیأت ۵ نفره از استادان مصری شرکت کرد. این مسأله گامی در جهت بهبود مناسبات دو کشور بوده در همین راستا رئیس جمهوری ایران نیز اظهار داشت:

"از نظر تاریخی، تمدنی و فرهنگی دو ملت ایران و مصر نقش اساسی و مهمی در تأسیس و بسط تمدن اسلامی داشته‌اند و امروز هم ما معتقدیم که این دو ملت "کفو" یکدیگرند و از نظر تاریخی و بینش و منش خیلی به هم نزدیکند و واقعا هم ما برای ملت مصر، مبارزات ملت مصر و جایگاه و پایگاه این ملت در تاریخ و در دنیای معاصر احترام قائلیم. همچنان که برای خودمان هم در دنیای معاصر و در تاریخ جایگاه مهمی قائل

گفت و گوی فرهنگی سوء تفاهمات و برداشت‌های نادرست را از میان می‌برد و تفاهم فرهنگی ایجاد می‌کند. تفاهم فرهنگی نیز موجب می‌شود تا اختلافات از راه مسالمت آمیز حل و فصل شود. گفت و گوی تمدن‌ها به عنوان یک ایده مناسب‌ترین شیوه تحصیل شناخت است. از این طریق می‌توان به برکت پذیرش تکثر فرهنگی و قبول برابری طرف‌های گفت و گو به حل مشکلات و رفع نگرانی‌های موجود پرداخت. در صورتی که این گفت و گو مبتنی بر منطق، عقلانیت و بردباری باشد، نتیجه آن تقویت مبانی آزادی، عدالت، حقوق انسانی و توسعه مدنیت چه در صحنه کشور و چه در پهنه جهانی خواهد بود.

### نقش فرهیختگان و نخبگان

نخبگان علمی و پژوهشگران دو کشور می‌توانند زمینه را برای از بین بردن بدگمانی‌ها و عدم اعتمادها فراهم نمایند. این امر مستلزم ایجاد ساز و کارهای مناسب مشارکتی و ایجاد یک نظام علمی منسجم است. متفکران و نخبگان دو کشور می‌توانند با برگزاری نشست‌های مختلف، گفت و گوی‌های سودمند و معقول با یکدیگر داشته باشند. تجزیه و تحلیل از راه دور به برداشت‌های نادرست می‌انجامد. دیدن و مبادله افکار از نزدیک بی‌تردید می‌تواند برای درک بهتر به عنوان کاراترین وسیله به کار گرفته شود. ضرب المثل معروف فارسی می‌گوید: "شنیدن کی بود مانند دیدن"

بعد از انقلاب ایران، فرهیختگان و روشنفکران ایران و مصر به جرگه سیاست و سیاستمداران پیوستند و استقلال و آزادی عمل خود را از دست دادند. در نتیجه نقش آنها کم رنگ‌تر شد. به این ترتیب فرهنگ با سیاست درآمیخت. همچنین نخبگان و برگزیدگان دو کشور بیش از آنکه به هم اندیشان خود در ایران و مصر چشم بدوزند، به غرب می‌اندیشند. فهمی هویدی در این مورد می‌گوید: "ما باید اعتراف کنیم که

نتوانسته‌ایم زمان حاضر خود را به گذشته پیوند زنیم و از این روست که میان گذشته‌ای که از آن با افتخار یاد می‌کنیم و واقعیتی که در آن زندگی می‌کنیم فاصله‌هایی به وجود آمده است ... هر یک از ما یا از روی نادانی و یا از روی خصومت و دشمنی به دیگری پشت کردیم و اینگونه بود که پیوندهای میان ما از هم گسیخت و ما با یکدیگر غریبه و بیگانه شدیم. این کار به جایی رسید که دیگر حتی همدیگر را نمی‌فهمیم و دیگر امیدى نداریم که همچون گذشته فرهیختگان عرب ما به زبان فارسی و فرهیختگان ایرانی ما به زبان عربی چیره باشند و به این زبان کتاب و مقاله بنگارند.<sup>۱۴</sup>

با این حال هنوز امیدواری وجود دارد ولی راه درازی در پیش است که باید به تدریج طی شود. در وهله اول فرهیختگان و نخبگان دو کشور باید تمام سعی و تلاش خود را به کار گیرند تا همدیگر را بیشتر درک کنند و به هم نزدیک‌تر شوند. تفاهم اندیشمندان دو کشور، موجبات نزدیکی بیشتر ایران و مصر را فراهم می‌آورد. برای طبقه متوسط تحصیل کرده ایران، مصر از نظر تمدنی و فرهنگی همیشه جذابیت داشته است. از دهه ۱۹۹۰ نخبگان دو کشور گام‌هایی را برای نزدیکی به یکدیگر برداشته‌اند. در این مورد می‌توان از همایش‌های بین‌المللی خلیج فارس که سالانه برگزار می‌شود و نخبگانی از مصر نیز در آن شرکت می‌کنند و نیز میزگرد روابط ایران و مصر و انجمن دوستی ایران و مصر نام برد.

۱. برگزاری همایش‌های علمی - برگزاری همایش‌های گوناگون یکی از راهکارهای اعتماد سازی محسوب می‌شود. ایجاد همایش‌ها موجب ایجاد فضای مناسبی برای ابراز نقطه نظرها و دیدگاه‌ها می‌شود و از سوی دیگر تحمل پذیری نظرات و دیدگاه‌های مخالف از طریق گفت و شنود افزایش می‌یابد. همایش‌ها هم موجب آشکار شدن سوءظن‌ها و بی‌اعتمادی‌ها می‌شود و هم باعث انجام تلاش‌های جدی برای درک متقابل یکدیگر و رفع شک و اعتماد می‌گردد. برگزاری همایش‌ها می‌تواند از سوی دانشگاه‌ها و یا از سوی دفاتر و مراکز مطالعاتی دو کشور انجام شود.

تا کنون چندین همایش از سوی دو کشور برگزار شده است. از سوی دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه ایران، نخستین میزگرد ایران و مصر در ژوئیه ۲۰۰۰ در نهران برگزار شد. در این میزگرد کارشناسان مرکز مطالعات سیاسی و استراتژیک الاهرام شرکت داشتند. در این میزگرد موضوعاتی مانند تحلیل شرایط بین‌المللی و منطقه‌ای، تحلیل روابط دو جانبه و تلاقی سطح تعاملات ایران و مصر، منطقه و جهان مورد بررسی قرار گرفت. دومین میزگرد ایران و مصر با شرکت نخبگان دو کشور در سال ۲۰۰۱ در قاهره برگزار شد. مرکز مطالعات سیاسی و استراتژیک الاهرام میزبان این میزگرد بود. سومین میزگرد روابط ایران و مصر با مشارکت نخبگان و پژوهشگران دو کشور در ۲۰۰۳ در تهران برگزار گردید.

همچنین همایش‌های بین‌المللی خلیج فارس که هر ساله از سوی دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه ایران تشکیل می‌شود، فرصت بسیار خوبی برای مشارکت اندیشمندان مصری است که با دیدگاه‌ها و نظرات طرف ایرانی آشنا شوند. علاوه بر آن در همایش‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی دو کشور می‌توانند با یکدیگر همکاری نمایند. در این زمینه ایران و مصر در کنفرانس خانواده و جمعیت در قاهره و نیز کنفرانس زنان در پکن با یکدیگر همکاری موثری داشتند.

۲. انجمن دوستی ایران و مصر - این انجمن در ژانویه ۲۰۰۰ توسط گروهی از فرهیختگان و اندیشمندان ایرانی تأسیس شد و غیر دولتی است. در بیانیه‌ای که بمناسبت تأسیس آن منتشر شد آمده است: "تاریخ روابط دو کشور ایران و مصر با سابقه طولانی فرهنگی تمدنی، همواره شاهد علایق درخشان و گسترده در سطوح گوناگون بوده است. هم اکنون نیز دو جامعه بزرگ ایرانی و مصری پرتحرک و خروشان با نسلی جوان و اندیشمندانی توانا و دانشگاه‌های پربار به آینده‌ای درخشان‌تر و خروشان‌تر می‌نگرند و با توجه به علایق و مشترکات فراوان در زمینه‌های گوناگون، می‌توانند نقش عمده‌ای در تحولات منطقه‌ای و حتی جهان بر عهده داشته باشند."<sup>(۱۵)</sup>

همزمان با تأسیس انجمن دوستی ایران و مصر، برخی از شخصیت‌ها و اندیشمندان مصری نیز تحرک مشابهی را آغاز کرده‌اند. تشکیل این گونه انجمن‌ها می‌تواند به بهبود و گسترش روابط دو کشور کمک نماید. فعالیت این انجمن‌ها فرهنگی و علمی است و یکی از اهداف آنها ترجمه کتب فارسی به عربی و عربی به فارسی است. این مسأله باعث شناخت بیش از پیش مردم ایران و مصر نسبت به یکدیگر خواهد شد.

### همکاری بین دانشگاه‌ها

دانشگاه‌ها به عنوان مراکز علمی، نقش مهمی در روند اعتمادسازی می‌توانند ایفا کنند. زیرا آنها با بینش علمی به مسائل می‌نگرند و تحت تأثیر تبلیغات قرار نمی‌گیرند. دانشگاه‌ها می‌توانند اقدام به برگزاری نشست‌های دانشگاهی و سمینارهای علمی نمایند. دانشگاهیان به ملاحظه کاری‌های بی اساس توجهی ندارند و می‌توانند بر مردم و دولت تأثیر بگذارند. برقراری ارتباط بین دانشگاه‌های ایران و مصر در چارچوب همایش‌ها، مبادله استاد و دانشجو می‌تواند دیوار تردیدها را درهم بشکند و با مبادله دقیق و صحیح اطلاعات تصویر روشن‌تری از دو کشور ارائه دهد. دو کشور به دلیل دو دهه درگیری و اختلاف، تصویر روشنی از یکدیگر ندارند. عدم وجود اطلاعات صحیح درباره دو کشور، یکی از دلایل ایجاد شک و تردید است.

مبادله دانشجو، استاد، محقق و پژوهشگر میان دو کشور موجب می‌شود که آنها از امکانات و قابلیت‌های مطالعاتی یکدیگر از نزدیک آشنا شوند. تبادل نظرات، تحقیقات و پیشنهادات و کسب اطلاعات دقیق از کشورهای یکدیگر به گسترش دید نخبگان دو کشور کمک می‌کند. دیدار مرتب نخبگان ایران و مصر موجب رفع سوءتفاهمات، شک‌ها و تردیدها و تصورات نادرست می‌گردد. این رویکرد می‌تواند به ایجاد راهکارهای مناسب

در چارچوب تفاهم و اعتماد برای رفع موانع عمده در برقراری روابط میان دو کشور کمک نماید.

همکاری‌های علمی بین ایران و مصر، به دوران دیرباز بازمی‌گردد. بنا به نوشته هرودت مورخ یونانی کورش از آماسیس پادشاه مصر درخواست کرد که بهترین چشم پزشک مصر را به دربار پارس بفرستد. فرعون نیز یک نفر پزشک مصری به ایران فرستاد و این شخص تا زمان کمبوجیه، جانشین کورش، در ایران بود.<sup>(۱۶)</sup> در منابع و کتب تاریخی مصری آمده است که ایرانیان در زمان هخامنشیان به فرمان داریوش، تقویم و طب را از مصریان آموختند. در مقابل به دستور داریوش کتابخانه‌هایی در مصر احداث گردید که تا آن زمان در این کشور ناشناخته بود.

همچنین در زمان ساسانیان بین دانشگاه جندی شاپور و دانشگاه اسکندریه ارتباطات علمی و پژوهشی برقرار بوده و استادان همواره پیشرفت علوم را در این ۲ دانشگاه مورد بررسی قرار می‌دادند. در دوران کسری انوشیروان پادشاه ساسانی، از دانشمندان مصری برای تدریس در دانشگاه جندی شاپور دعوت به عمل می‌آمد.<sup>(۱۷)</sup> در دوران رژیم گذشته نیز همکاری‌های علمی بین دانشگاه‌های ایران و مصر وجود داشت. در این زمان دانشجویان مصری به ایران می‌آمدند و در بخش فارسی مخصوص دانشجویان خارجی درس می‌خواندند و پس از گرفتن درجه دکترا، در دانشگاه‌های قاهره، عین شمس یا اسکندریه به تدریس می‌پرداختند. اینان به حق سفیرهای فرهنگی و معنوی ایران در مصر هستند.

همچنین برای استفاده از فرصت‌های مطالعاتی، سالیانه عده‌ای از استادان و دانشجویان مصری به ایران می‌آمدند و در مدت یکماه یا بیشتر، با استادان فارسی، نشریه‌های روز و کتاب‌های تازه منتشر شده آشنا می‌شدند. هر یک از این میهمانان در بازگشت به مصر تحقیق درباره قسمتی از زبان و ادب ایران را عهده دار می‌شدند و کتاب یا مقاله در این باره منتشر می‌کردند.<sup>(۱۸)</sup>

در زمان رژیم گذشته همچنین بین حوزه علمیه قم و دانشگاه ازهر همکاری‌های گسترده علمی در چارچوب دارالتقریب وجود داشت. دانشگاه ازهر قدیمی‌ترین دانشگاه مصر است که در دوره فاطمیان در سال ۹۶۹ میلادی تأسیس شده است و در آن علوم دینی تدریس می‌شود. همکاری‌های بین این دانشگاه و حوزه علمیه قم بسیار ثمر بخش بود و موجب نزدیکی بیشتر تسنن و تشیع گردید. بعد از انقلاب اسلامی ایران، همکاری‌های علمی بین ایران و مصر قطع گردید. در این مدت دانشجویان مصری از آنچه در دانشکده‌های ایران می‌گذرد، بی‌اطلاع هستند. برخی از آنها ادبیات فارسی را با آغاز انقلاب اسلامی پایان یافته می‌دانند. رئیس بخش سیاسی دانشگاه قاهره می‌گوید: "شما دانشگاهیان می‌آید و میان خود و مردم رابطه برقرار می‌کنید و ما سیاستمدارها رشته‌های شما را پنبه می‌کنیم. چرا باید چنین باشد؟ ما با شما چه اختلافی داریم."<sup>(۹)</sup>

در سال‌های اخیر تلاش به عمل آمده تا همکاری‌های علمی بین دانشگاه‌های ایران و مصر از سر گرفته شود. در این راستا یک موافقتنامه همکاری‌های علمی بین دانشگاه علامه طباطبایی و دانشگاه عین شمس مصر به امضاء رسیده است. این امر می‌تواند گامی در جهت گسترش روابط فرهنگی ایران و مصر باشد. ضروری است که این گونه همکاری‌ها گسترش یابد.

### گسترش زبان فارسی و عربی

زبان از عناصر اصلی و محوری هر فرهنگ است. به همین دلیل همواره یکی از ارکان مهم و تأثیر گذار در روابط کشورها بوده است. زبان در روابط بین کشورها از چند نظر حایز اهمیت است:

۱. قدیمی‌ترین، ابتدایی‌ترین، عمومی‌ترین و آسانترین وسیله ارتباط است؛
۲. مهم‌ترین وسیله برای انتقال افکار و اندیشه‌ها است؛



۳. در روند اعتماد سازی و برقراری روابط و تحکیم آن می‌تواند نقش مهمی ایفا کند؛ پژوهش‌های محققان غیر ایرانی تصویرهای قابل تأمل و شگفتی از پیشینه، توانایی و گسترش زبان فارسی به دست می‌دهد. در تاریخ مصر آمده است که پسر سناء الملک، یکی از برجسته ترین شاعران عصر ایوبی، سده دوم میلادی، زبان فارسی می‌دانست و تحت تأثیر اشعاری که به این زبان سروده شده بود، قرار داشت و حتی بعضی از اشعاری را که به عربی می‌سرود از برجستگی زبان فارسی سود می‌برد. این در حالی بود که دیگر سرایندگان مصری در آن زمان، از برجستگی‌های عامیانه آندولسی‌ها سود می‌بردند و از این رو، وی نخستین کسی بود که در سروده‌های خود از تکنیک‌های شعر فارسی استفاده کرد.<sup>(۳۰)</sup>

در دوره تسلط عثمانی و انگلیس بر مصر، اکثریت امرای خاندان سلطنتی مصر به زبان فارسی صحبت می‌کردند و نسخه کتاب‌های فارسی را در کتابخانه‌های خود حفظ می‌کردند. در دوران محمد علی پاشا، زبان فارسی یک زبان علمی و تقریباً نیمه رسمی به شمار می‌رفت. بسیاری از کتب ادبی و ارزشمند فارسی مانند دیوان حافظ، مثنوی، کلیات سعدی و آثار عطار در مصر منتشر شد. علاوه بر آن روزنامه‌های فارسی زبان مانند ثریا، پرورش، چهره نما و حکمت در مصر منتشر می‌شدند.

همچنین برخی از شعرای مصری به زبان فارسی شعر می‌سرودند. در این مورد می‌توان از عایشه تیموری نام برد که در ۱۹۰۲ در گذشت. وی مشهورترین زنی است که از خود دیوان شعر بر جای گذاشته است. عایشه ۳ دیوان شعر به ترتیب به زبان‌های فارسی، عربی و ترکی دارد. او نه تنها به فارسی شعر می‌سرود، بلکه در اشعار عربی خود نیز رد پای از تأثیر پذیری‌اش از زبان فارسی کاملاً مشهود است. علاوه بر آن نام محمود سامی البارودی برای اهل تحقیق در دوران معاصر آشنا است. زیرا درباره او گفته‌اند که وی شعر را زنده کرد و راه را برای شاعران پس از خود همچون احمد شوقی، حافظ

ابراهیم و خلیل مطران هموار نمود. بارودی در اواخر سده نوزدهم یا به عرصه هستی نهاد و با ادبیات فارسی آشنایی کامل داشت و تحت تأثیر سعدی بود.<sup>(۲۱)</sup>

در دوران ملک فاروق به علت پیوند زناشویی دو خانواده سلطنتی ایران و مصر، زبان فارسی در مصر گسترش یافت. در این دوران تدریس زبان فارسی در دانشگاه‌های مصر رواج پیدا کرد و با اعزام اساتید زبان فارسی از سوی ایران به مصر، روابط علمی و فرهنگی بین دو کشور گسترش بیشتری یافت. جدایی خواهر ملک فاروق از شاه سابق، اگر چه موجب ناراحتی خانوادگی پادشاه مصر شد ولی در خط مشی کلی فرهنگی دو کشور تأثیری نداشت. این نکته شایان توجه است که بسیاری از چهره‌های ادبی مصر در عصر حاضر با تأثیر پذیری از زبان فارسی، عربی و ترکی شخصیت فرهنگی خویش را ساخته‌اند.

بر اساس قانون دانشگاه‌های کشورهای عربی، دانشجویان رشته زبان و ادبیات عرب باید علاوه بر زبان عربی، یکی از ۳ زبان شرقی (فارسی، ترکی، عبری) را فراگیرند. در سال‌های قبل از انقلاب اسلامی ایران، دانشجویان عموماً زبان فارسی را برمی‌گزیدند. زیرا با اسرائیل دشمن بودند و محتوی زبان فارسی از ترکی غنی‌تر بود. اما در سال‌های بعد از انقلاب، به علت قطع روابط، این دانشجویان به فراگیری زبان عبری روی آورده‌اند. براساس آمار نسبت فراگیری زبان فارسی به عبری در دانشگاه‌های مصر بشرح زیر است:<sup>(۲۲)</sup>

نام دانشگاه	زبان عبری	زبان فارسی
دانشگاه قاهره	۶۰ درصد	۴۰ درصد
دانشگاه عین شمس	۹۰ درصد	۱۰ درصد
دانشگاه ازهر	۶۰ درصد	۴۰ درصد
دانشگاه اسکندریه	۸۰ درصد	۲۰ درصد

از سوی دیگر بعد از اسلام، زبان عربی در ایران گسترش بسیاری یافت و بسیاری از نویسندگان ایرانی آثار خود را به این زبان نوشتند. پیوند نزدیک بین زبان فارسی و عربی سبب شد که بسیاری از واژگان این ۲ زبان به یکدیگر راه یابد. واژگان بسیاری از زبان فارسی به عربی و از عربی به فارسی راه یافت. به همین دلیل اشتراکات زیادی بین ۲ زبان وجود دارد.

زبان عربی تا قبل از انقلاب اسلامی ایران، محدود به حوزه‌های علمیه، رشته ادبی دبیرستانها و رشته‌های عربی در دانشگاه‌های کشور می‌شد. اما بعد از انقلاب، جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داد و به عنوان زبان دوم کشور شناخته شد.

طبق اصل ۱۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی، زبان عربی از اول راهنمایی تا پایان دوره متوسطه در تمام کلاس‌ها و همه رشته‌ها تدریس می‌شود.

در مصر، در حال حاضر زبان فارسی در ۵ دانشگاه ازهر، قاهره، اسکندریه، عین شمس و اسیوط آموزش داده می‌شود. حدود ۸۰۰ نفر در دوره‌های لیسانس، فوق لیسانس و دکترا به فراگیری زبان و ادبیات فارسی مشغول هستند. همچنین حدود ۱۰۰ نفر دکترا زبان و ادبیات فارسی در سمت پروفیسور، دانشیار و استادیار در مصر وجود دارد که در زمینه‌های ادبیات فارسی و تاریخ ایران کار کرده و یا می‌کنند.

از سوی دیگر مصر تنها کشور عربی است که در دانشگاه‌های آن رشته زبان و ادبیات فارسی تا مقطع دکترا تدریس می‌شود و هزاران دانشجوی مصری، زبان فارسی را فرا می‌گیرند. مصر حتی اساتید زبان و ادبیات فارسی مورد نیاز دانشگاه‌های سایر کشورها از جمله کشورهای عربی را تامین میکند. به این ترتیب مصر جایگاه مهمی در ترویج زبان، ادبیات و فرهنگ ایران دارد. از سوی دیگر مطالعات و پژوهش‌های ایران‌شناسی، چه در سطح پایان‌نامه‌های تحصیلی مقاطع تکمیلی و چه در سطح تألیف و تحقیق در مصر گسترش قابل ملاحظه‌ای یافته است، به گونه‌ای که دانشگاه‌ها و مراکز مطالعاتی مصر

گنجینه‌ای از صدها پژوهش و تحقیق درباره زبان، تاریخ، فرهنگ و تمدن ایران را در خود جای داده‌اند.<sup>(۳۳)</sup>

### همکاری‌های مطبوعاتی

مطبوعات و کتاب دو ابزار مهم برای انتقال فرهنگی و آشنایی طرفین از نظرات و اهداف طرف مقابل است. مطبوعات ایران و مصر با توجه به طرز تفکر بنیان آنها و دیدگاه‌هایی که دارند در زمینه گسترش یا عدم گسترش روابط دو کشور، نقش دوگانه را ایفا می‌کنند. این روزنامه‌ها باعث افزایش بدبینی در افکار عمومی می‌شوند و مانعی بر سر راه برقراری روابط به شمار می‌روند.

مطبوعات و کتاب می‌توانند به شیوه‌های گوناگون در گسترش روابط فرهنگی دو کشور موثر باشند. برخی از این شیوه‌ها عبارتند از ارائه تصویر روشن و مثبت از دو کشور در کتب درسی، ترجمه کتاب‌های فارسی به عربی و بالعکس، حضور در جشنواره‌های کتاب و مطبوعات، چاپ و انتشار کتاب و روزنامه در دو کشور، برقراری ارتباط نزدیک میان ناشرین دو طرف برای استفاده از تجارب یکدیگر و تبادل هیأت‌های مطبوعاتی در چارچوب سفرهای دوره‌ای.

۱. ارائه تصویری روشن و مثبت در کتب درسی - برای نزدیکی بیشتر دو کشور و درک متقابل ضروری است که چهره طرف مقابل در کتاب‌های درسی به نحوه مثبت ارائه شود. در کتاب‌های درسی مصر هیچ تصویر مشخص و روشنی از ایران ارائه نمی‌شود. ایران بیشتر در وقایع تاریخی مربوط به گذشته‌های دور مطرح می‌شود، ولی هر چه به تاریخ معاصر نزدیک می‌شویم کمتر از ایران یاد می‌شود و به مرور فراموش می‌گردد، گویی اصلاً کشوری به نام ایران در نقشه ژئوپولیتیک منطقه وجود ندارد.<sup>(۳۴)</sup> با اینحال در کتاب‌های درسی مصر بر خلاف عراق و سوریه چهره منفی از ایران ارائه نشده است. به

عنوان مثال در کتاب‌های درسی عراق و سوریه از ایران چهره‌ای توسعه طلب، اشغالگر و متجاوز ترسیم شده است. در این کتاب‌ها از نام جعلی برای خلیج فارس استفاده می‌شود و از خوزستان ایران به نام "عربستان" نام برده می‌شود که متعلق به اعراب ولی تحت اشغال ایران است. همچنین از جزایر ایرانی تنب و ابوموسی به عنوان جزایر متعلق به امارات عربی متحده نام برده شده است. در حالیکه در کتب‌های درسی مصر ذکری از این مسائل نشده است. این چهره منفی از ایران، در حالی ارائه می‌شود که برخی از کشورهای عربی برای توسعه روابط خود با اسرائیل پذیرفته‌اند که پاره‌ای از آیات قرآنی و احادیث نبوی مربوط به یهودیان را که چهره منفی از آنها ارائه می‌دهد، از کتاب‌های درسی خود حذف کنند.<sup>(۳۵)</sup>

۲. ترجمه کتاب‌های دو کشور - توسعه علم از تعصبات قومی و خود محوری می‌کاهد و این خود سبب کاهش تنش‌های بین‌المللی و منطقه‌ای می‌گردد. به همین دلیل یکی از اهداف یونسکو توسعه علوم و آشنایی اقوام مختلف با فرهنگ‌های یکدیگر است. این امر نیز از طریق ترجمه کتب اعم از شعر، رمان و ادبیات صورت می‌گیرد. بدون انجام این اقدامات نمی‌توان انتظار داشت که روابط فرهنگی دو کشور از عمق لازم برخوردار شود.

در طول تاریخ ترجمه کتب نقش مهمی در انتقال فرهنگ ایفا کرده است. اعراب از طریق ترجمه کتب ایرانی قبل از اسلام با فرهنگ و تمدن ایران آشنا شدند. آنها همچنین با ترجمه آثار یونانی از فرهنگ و تمدن این کشور آگاهی پیدا کردند. گفته می‌شود که بخشی از جنبش اسلامی ایران در دهه ۶۰ و ۷۰ بدون شک متأثر از ترجمه کتاب‌های اندیشمندان مصری در ایران بوده است.

از طریق ترجمه مردم ایران و مصر می‌توانند از دست‌آوردهای فرهنگی یکدیگر آگاه شوند. در این راستا تشکیل موسسه‌ای برای ترجمه کتاب‌های دو کشور می‌تواند به گسترش روابط فرهنگی فی‌ما بین و عمق بخشیدن به آن کمک نماید. این امر در ایران

سابقه نیز دارد. در سال‌های قبل از انقلاب برای ترجمه آثار آمریکایی به زبان فارسی، موسسه فرانکلین در ایران ایجاد شده بود.

۳. تبادل هیئت‌های مطبوعاتی - دیدار هیئت‌های مطبوعاتی دو کشور، می‌تواند به گسترش روابط فرهنگی فی‌مابین کمک نماید. از سال ۱۹۹۸ هیئت‌هایی از مطبوعات دو کشور از قاهره و تهران دیدار کرده‌اند که تأثیر زیادی در انعکاس دیدگاه‌های مثبت مقامات دو کشور و ایجاد فضای مثبت تبلیغاتی داشته است. عماد الجاد پژوهشگر مرکز مطالعات استراتژیک مصر می‌گوید: "اکنون پس از مدت‌های طولانی از ایران به صورت مثبت یاد می‌شود و حتی در برخی از موارد از آن هم تمجید می‌گردد که به خودی خود می‌توان از آن به عنوان یک تحول رضایتبخش برای فراهم شدن شرایط مناسب برای بهبود روابط ایران و مصر نام برد."<sup>(۳۶)</sup>

سفر هیئت‌های مطبوعاتی دو کشور از جمله گام‌های موثر در نزدیک‌تر ساختن هر چه بیشتر نقطه نظرات اصحاب مطبوعات و نیز آشنایی هر چه بیشتر افکار عمومی به ویژه آشنایی مردم دو کشور از واقعیت‌های یکدیگر به شمار می‌رود. در سال ۱۹۹۹ یک هیئت مطبوعاتی مصر متشکل از ۱۰ نفر از سردبیران و روزنامه‌نگاران مصری از تهران دیدار کردند. این دیدار پاسخی به دیدار روزنامه‌نگاران ایرانی از قاهره بود که قبل از آن انجام شده بود. هیئت مطبوعاتی مصر در طی دیدار از تهران با مسئولین ایرانی ملاقات و از تعدادی از موسسه‌های مطبوعاتی دیدار کردند.<sup>(۳۷)</sup> این امر موجب شد تا مطبوعات مصر رویه خود را نسبت به ایران تغییر دهند. روزنامه‌های پر تیراژ مصر مانند الاهرام و اخبار الیوم دید مثبتی نسبت به ایران پیدا کرده‌اند. همچنین مرکز مطالعات استراتژیک الاهرام، ماهنامه‌ای تحت عنوان "مختارات ایرانیه" منتشر می‌کند که در برگیرنده ترجمه مقالات، تحلیل‌ها و گزارش‌های مطبوعات ایران است.<sup>(۳۸)</sup> این امر موجب می‌شود تا مردم مصر در جریان گزارشات و تحلیل‌های مطبوعات ایران قرار گیرند.

۴. شرکت در نمایشگاه‌های کتاب - شرکت ناشرین ایرانی و مصری در نمایشگاه‌های کتاب دو کشور گام دیگری در جهت توسعه روابط فرهنگی فی‌ما بین است. در سال ۱۹۹۹ موسسات انتشاراتی مصر در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران حضور گسترده‌ای داشتند.<sup>(۲۹)</sup> ایران در این زمینه با دید مثبت برخورد کرده و ضروری است که طرف مصری نیز با این مسأله به دید مثبت نگاه کند و زمینه‌های لازم را فراهم آورد. ناشران ایرانی به علت عدم روایت نتوانستند در سیزدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب قاهره در فوریه ۲۰۰۱ شرکت کنند.<sup>(۳۰)</sup>

### رسانه‌های گروهی

رسانه‌های گروهی می‌توانند در اعتماد سازی بین دو کشور نقش بسیار موثری ایفا کنند. در دو دهه گذشته رسانه‌های ایران و مصر رسالت خود را انجام نداده‌اند. آنها به نحوی کار کرده‌اند که بر تنش در مناسبات دو کشور افزوده‌اند. نگرش و بینش این رسانه‌ها نسبت به یکدیگر باید تغییر کند، از تبلیغات منفی کاسته شود و بر جنبه‌های مثبت دو کشور تأکید گردد. عدم وجود ارتباط بین رسانه‌های ایران و مصر به بدبینی‌ها دامن زده است. عدم وجود اطلاعات درباره دو کشور نیز مزید بر علت بوده است. علاوه بر آن چون رسانه‌های گروهی دو کشور اطلاعات خود را از رسانه‌های غربی به دست می‌آورند، این مسأله نیز به مسموم کردن ذهن مردم ایران و مصر به یکدیگر کمک کرده است. رسانه‌های گروهی دو کشور به عنوان مهم‌ترین و موثرترین منبع انتقال اطلاعات می‌توانند در زدودن سوء تفاهم، تردیدها و ایجاد تفاهم و اعتماد سازی نقش موثری ایفا کنند. آنها همچنین باتوجه به نقشی که در شکل دهی افکار عمومی و سمت و سو دادن به آن ایفا می‌کنند، می‌توانند زمینه‌های نزدیکی دو کشور را به یکدیگر فراهم آورند. رسانه‌های گروهی دو کشور در راستای رسالت واقعی خود باید در نشر اطلاعات صحیح

درباره دو کشور بکوشند. برای این منظور باید بین رسانه‌های گروهی ایران و مصر ارتباط برقرار شود و به تدریج همکاری بین آنها گسترش یابد.

در سال‌های اخیر رسانه‌های گروهی مصر از رشد قابل ملاحظه‌ای برخوردار بوده‌اند. ایستگاه‌های رادیویی مصر از ۲۲۷ فرستنده رادیویی برنامه پخش می‌کنند. شبکه‌های رادیویی روزانه به طور متوسط ۲۷۲ ساعت برنامه دارند. مصر همچنین ۷ کانال تلویزیونی و یک کانال ماهواره‌ای دارد که کلیه کشورهای عربی، منطقه خاورمیانه، اروپا و آمریکا را زیر پوشش دارد. NilTV کانال ماهواره‌ای مصر به زبان انگلیسی برای کشورهای مختلف برنامه پخش می‌کند.

از سوی دیگر ماهواره مصری نیل ست - ۱۰۱ نیز به پخش برنامه‌های تلویزیونی، رادیویی و اطلاع رسانی مشغول است. نیل ست، ۱۲ کانال فشرده ماهواره‌ای دارد که می‌تواند ۸۴ تا ۹۶ کانال تلویزیونی و ۴۰۰ ایستگاه رادیویی را پوشش دهد. در زمینه اطلاع رسانی و اینترنت نیز خدماتی را ارائه می‌دهد. حوزه پوشش این ماهواره، منطقه عربی، دریای مدیترانه و بخش‌هایی از آسیا و آفریقا است.<sup>(۳۱)</sup> این مسأله بیانگر امکانات و توانایی‌های مصر در امر اطلاع رسانی است.

از سال ۱۹۹۷ گام‌هایی در راستای گسترش همکاری بین رسانه‌های گروهی دو کشور برداشته شده است. منجمله وزیر اطلاع رسانی مصر در اجلاس وزیران اطلاع رسانی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در تهران شرکت کرد. یک هیأت مطبوعاتی و رادیو - تلویزیونی وی را در این سفر همراهی می‌کردند.<sup>(۳۲)</sup> همچنین رئیس سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران در ۱۹۹۸ از مصر دیدار نمود.

از سوی دیگر خبرگزاری رسمی ایران "ایرنا" به خبرگزاری مصری "شرق الاوسط" پیشنهاد و تبادل خبرنگار داده است. خبرگزاری ایران همچنین آمادگی خود را برای تبادل خبر بدون دخالت و دستکاری خبرگزاری‌های غربی به خبرگزاری مصر اعلام کرده است. خبرگزاری شرق الاوسط به دلیل موقعیت مهم ژئوپولیتیکی و استراتژیکی



مصر، از اهمیت ویژه‌ای در منطقه برخوردار است. همکاری‌های دو کشور در امر رسانه‌ها تا کنون منجر به بازگشایی دفتر ایرنا در قاهره و دفتر خبرگزاری مصر در تهران شده است. همچنین لحن رسانه‌های گروهی مصر نسبت به ایران تعدیل شده و به جای انتقاد از ایران و انتشار مطالب منفی درباره ایران بیشتر مطالب مثبت مربوط به ایران را پخش می‌کنند. علاوه بر آنچه گفته شد دو کشور می‌توانند در زمینه مبادله برنامه، اخبار، سریال، فیلم، برنامه سازی و طراحی سیاست‌های جامع رسانه‌ای با یکدیگر همکاری کنند.

### هنر و ورزش

در عرصه هنری، یک شهروند ایرانی چهره‌های فرهنگی، علمی و هنری غرب را می‌شناسد و با هنرمندان، نویسندگان و شعرای متوسط اروپایی و آمریکایی آشنایی دارد. اما از مصر چنین شناختی ندارد. شهروند مصری نیز متقابلاً با نویسندگان و شعرای معاصر ایران و هنرمندان آن آشنایی ندارد. در صفحات قبل گفته شد که نخبگان ایرانی به زبان عربی کتاب می‌نوشتند و شاعران ایرانی به این زبان شعر می‌سرودند. شعرای مصری نیز به زبان فارسی شعر می‌گفتند.

همچنین ایرانی‌ها و مصری‌ها با آداب و رسوم یکدیگر آشنایی داشتند و از یکدیگر تأثیر می‌پذیرفتند و به آن احترام می‌گذاشتند. قلشندی در صبح الاعشی از برگزاری جشن نوروز (النوروز) در مصر سخن می‌گوید. همچنین مصری‌ها به تقلید از ایرانیان، روز اعتدال بهاری (شم النسیم) را جشن می‌گرفتند و مهرگان (مهرجان) روز آغاز سال کشاورزی مصریان بود.<sup>(۳۳)</sup> گفته می‌شود وقتی کمبوجیه وارد مصر شد، کلیه آداب و رسوم و مراسم مذهبی مصر و دربار آن را به جای آورد. داریوش نیز به آداب و رسوم باورهای مردم مصر احترام می‌گذاشت.

در دوره فاطمیان روابط فرهنگی ایران و مصر به اوج شکوفایی خود رسید. فاطمیان بسیاری از آداب و رسوم خود را از ایرانیان گرفتند. آنها دربارشان را مثل شاهان ایران می‌آراستند و مانند آنها برخی اعیاد را جشن می‌گرفتند. خلیفه فاطمی مانند شاهان ساسانی، در برابر مردم پشت پرده قرار می‌گرفت و به هنگام جلوس پرده کنار می‌رفت. همچنین هنر دوران فاطمی شدیداً تحت تأثیر هنر ایرانی است و در زمینه‌های بافندگی، منبت کاری، کنده کاری و کاشی کاری، سبک و روش هنرمندان ایرانی به روشنی دیده می‌شود.<sup>(۳۴)</sup>

تا دوران ملک فاروق روابط فرهنگی بین ایران و مصر برقرار بود و حتی در برخی زمینه‌ها گسترش داشت. منجمله همکاری‌های سینمایی گسترده‌ای بین دو کشور وجود داشت و هر ساله فیلم‌های زیادی از مصر در ایران نشان داده می‌شد. اما با به قدرت رسیدن جمال عبدالناصر این روابط نیز قطع گردید. در سال‌های اخیر برخی اقدامات فرهنگی محدود بین ایران و مصر صورت گرفته است که در این مورد می‌توان به همکاری در امور سینمایی و ورزشی اشاره کرد. در سال‌های گذشته، ایران در جشنواره سینمایی بین‌المللی قاهره شرکت کرده است. هنرمندان مصری نیز در جشنواره بین‌المللی سینمایی در تهران شرکت کرده‌اند. مسابقات دوستانه‌ای نیز بین تیم‌های فوتبال ایران و مصر برگزار شده است. تیم فوتبال مصر ۲ بار برای شرکت در جام گفت و گوی تمدن‌ها به ایران سفر کرده است.

در جهان امروز از ورزش به عنوان ابزاری برای صلح و دوستی نام برده می‌شود. حتی در مواردی سفر تیم‌های ورزشی زمینه‌ساز برقراری مجدد روابط سیاسی میان کشورهای متخاصم بوده است. مقدمات برقراری روابط سیاسی بین آمریکا و چین از طریق مسابقات ورزشی فراهم شد. در ماه مارس ۱۹۷۱ تیم پینگ‌پونگ آمریکا به دعوت چین از این کشور دیدار کرد. آمریکاییان از سر خشنودی این بازی را به چینی‌ها باختند، تا روابط دو کشور را بهبود بخشند.<sup>(۳۵)</sup>

این مسأله نشان می‌دهد که از نقش ورزش نباید غافل شد. انجام مسابقات فوتبال بین تیم‌های ایران و مصر باعث قرابت بیشتر فکری و فرهنگی میان دو کشور می‌شود. ادامه این گونه مسابقات می‌تواند باعث عادی سازی روابط ایران و مصر و از سرگیری آن در آینده نزدیک شود.

نقش موسیقی را نیز در این میان نباید نادیده گرفت. شرکت مكدونالد که برای فروش مواد غذایی خود در مصر، با اقدامات کمیته تحریم این کشور روبرو شده بود، برای جذب مشتریان بیشتر و تبلیغ به خواننده مردمی مصر، شعبان عبدالرحیم متوسل شد. این اقدام مكدونالد با استقبال گسترده مردم مصر روبرو گردید.<sup>(۳۶)</sup>

در ایران تاکنون فقط برخی سرودهای فلسطینی آن هم در مواقع خاص پخش شده است و کمتر کسی در ایران از چهره‌های معروف هنرمندان مصری اطلاع دارد. به طور کلی پخش سرودهای دو کشور می‌تواند به آشنایی بیشتر مردم ایران و مصر با یکدیگر و تفاهم بین آنها کمک نماید.

## زیر نویس‌ها و یادداشت‌ها

۱. محمد معین، فرهنگ فارسی، (جلد دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴) ص ۲۵۳۸
2. Clifford Greetz, *The Interpretation of Cultures* (New York: Basic Books, 1973) p. 312
3. Hans, J. Morgenthaw, *Politics Among Nations: The Struggle for Power and Peace* (New York: Alfred A. Knopf inc. 1985) p. 502
۴. جلال دهقانی فیروز آبادی و محمد حسین هاشمی "اهمیت روابط فرهنگی ایران و مصر در عصر گفت و گوی تمدن‌ها"، *مطالعات آفریقا*، دوره جدید، سال پنجم، شماره ۲ (پاییز و زمستان ۱۳۷۹) صص ۸ - ۷
۵. برای اطلاع در این باره که از تمدن‌های باستانی چه می‌توان آموخت و یا تمدن‌های ایران و مصر به جهان چه ارزانی داشته‌اند بنگرید به:  
محمد علی اسلامی ندوشن، "از تمدن‌های باستانی چه بر می‌آید"، *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره ۱۵۲ - ۱۵۱ (فروردین - اردیبهشت ۱۳۷۹) صص ۱۷ - ۴
۶. جمیله کدیور، "پتانسیل‌های همگرایی تهران - قاهره" *اطلاعات*، ۴ مرداد ۱۳۸۰
۷. احمد هاشم، "امنیت ملی مصر و ایران و خلیج فارس" مجموعه مقالات پنجمین سمینار خلیج فارس (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۳) ص ۲۸۷
۸. معصومه عصام، "جهانی شدن (تعاملات فرهنگی - راهکارها)" *پژوهش و سنجش*، سال هشتم، شماره ۲۵ (بهار ۱۳۸۰) ص ۲۶۰
۹. همان، صص ۶۱ - ۲۶۰
10. Samuel p. Huntington, "The Clash of Civilization", *Foreign Affairs* (Summer 1993)
۱۱. بیروز مجتهد زاده "جهان در سالی که گذشت" *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره ۶۴ -- ۱۶۳ (فروردین - اردیبهشت ۱۳۸۰) ص ۱۶
۱۲. *مطالعات آفریقا*، دوره جدید، شماره (پاییز و زمستان ۱۳۷۹) صص ۱۴ - ۱۳
۱۳. *مطالعات آفریقا*، دوره جدید، شماره ۱ (بهار و تابستان ۱۳۷۹) ص ۷۹

۱۴. فهیمی هویدی، "فقدان دیدگاه استراتژیک در روابط ایران و اعراب"، قسمت دوم، ترجمان سیاسی، سال پنجم، شماره ۳۴ (۱۲ مرداد ۱۳۷۹) ص ۵
۱۵. اطلاعات، ۸ دیماه ۱۳۷۸
۱۶. وزارت امور خارجه، اطلاعاتی درباره جمهوری عربی مصر، (تهران: ۱۳۶۱) ص ۵۱
۱۷. محسن توکلی، "نگاهی به تحولات روابط ایران و مصر"، بولتن دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۱۲۳، ص ۸
۱۸. جعفر شهیدی، "اشک‌هایی بر ساحل نیل"، سیاست خارجی، سال ششم، شماره ۱ (بهار ۱۳۷۱) ص ۱۸۵
۱۹. همان.
۲۰. فهیمی هویدی، "فقدان دیدگاه استراتژیک در روابط ایران و اعراب" ترجمان سیاسی، شماره ۳۲-۳۳ (تیرماه ۱۳۷۹) ص ۲۹
۲۱. همان
۲۲. شهیدی، پیشین، ص ۱۸۶
۲۳. ایران، ۱۴ دی ۱۳۸۱
۲۴. طلال عتریبسی، "چهره ایرانیان در کتاب‌های درسی کشورهای عربی" ترجمه حجت رسولی، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال سوم، شماره ۱ (زمستان ۱۳۷۵) ص ۱۰۹
۲۵. المجله، ۱۶ ژوئیه ۲۰۰۰
۲۶. اطلاعات، ۴ مرداد ۱۳۷۶
۲۷. اطلاعات، ۳ مهر ۱۳۷۸
۲۸. ایران، ۱۴ دی ۱۳۸۱
۲۹. اطلاعات، ۳ آبان ۱۳۷۸
۳۰. جمهوری اسلامی، ۱۰ بهمن ۱۳۷۹
۳۱. ترجمان اقتصادی، سال اول، پیش شماره ۱، ص ۳۳
۳۲. جمهوری اسلامی، ۷ آذر ۱۳۷۸

## فصلنامه مطالعات آفریقا - پاییز و زمستان ۱۳۸۲

۳۳. سیدهادی خسرو شاهی، "روابط تاریخی - فرهنگی ایران و مصر". *مطالعات آفریقا*، دوره جدید، سال پنجم، شماره ۲ (پاییز و زمستان ۱۳۷۹) ص ۱۲۷
۳۴. همان، ص ۱۲۱
۳۵. رابرت د. شولزینگر، *دیپلماسی آمریکا در قرن بیستم (۱۹۹۷ - ۱۸۹۸)* ترجمه رفیعی مهتر آبادی (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۹) ص ۵۲۰
۳۶. *المجله*، ۱۲ اوت ۲۰۰۱



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی